

فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره ششم (بهار ۱۴۰۰)

بررسی و تحلیل مدیریت انتظامی پلیس در راستای مبارزه با قاچاق کالا

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

دکتر بهنام اسدی^۱

چکیده

قاچاق، معضلی است که تمامی کشورهای جهان به نوعی گرفتار آن هستند، ولی شواهد نشان می‌دهد عمق در وسعت قاچاق در کشورهای کمتر توسعه یافته، بیشتر می‌باشد. به نحوی که در بعضی از این کشورها، قاچاق بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد. در این بین می‌توان آثار و نشانه‌های وجود ریشه‌دار این معضل را در لایه‌های مختلف اقتصاد جمهوری اسلامی نیز مشاهده کرد. قاچاق دامنه وسیعی از فعالیتها را شامل می‌شود. قاچاق کالا اغلب با واژه های اقتصاد سیاه، اقتصادپنهان، اقتصاد زیرزمینی تعریف می‌شود، دامنه وسیعی از فعالیت های اقتصادی را چه در مرحله تولید و چه در مرحله توزیع و تجارت شامل می‌شود. در این وادی مدیریت انتظامی پلیس در راستای مبارزه با قاچاق کالا امری لازم و ضروری می‌باشد که در این مقاله قصد داریم با نگاهی به اهمیت بالای پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا ابعاد حقوقی موضوع را مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، قاچاقچیان، گمرک، پلیس ناجا، فعالیت های تجاری، واردات

کالا

^۱ مدیر عامل و صاحب امتیاز بنیاد علمی آموزشی قانون یار

آدرس ایمیل نویسنده: Drbehnamasadi@yahoo.com

شماره تماس دفتر مرکزی تهران ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ - شماره تماس دفتر استان کرمانشاه ۰۸۳۳۷۲۹۶۱۳۳

مقدمه

قاچاق کالا که به نظر می‌رسد در کشور نهادینه شده است، پدیده‌ای چند وجهی چند ریشه‌ای است و از این رو تبعات آن به حوزه اقتصادی منحصر نمی‌شود، بلکه می‌توان به گستره وسیعی از پیامدهای مخرب سیاسی اجتماعی و فرهنگی در کنار آثار زیانبار اقتصادی آن اشاره کرد. باتوجه به اینکه کشور جمهوری اسلامی ایران از سالها تحت تاثیر پدیده قاچاق کالا قرار گرفته و لطمات جبران ناپذیری در تمامی بخش های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی وغیره به خود دیده و در جهت مقابله با این صدمات هزینه های زیادی پرداخته است؛ اعم از جانی که شهادت مامورین مبارزه کننده در این راه، هزینه های مالی، نیروی انسانی و... که برهمگان مشخص و محرز است. همچنین قاچاق پدیده ای مخرب است که آسیب فراوانی بر پیکره ی اقتصاد کشور ها وارد می نماید. این فعالیت غیر رسمی اقتصاد، برنامه ها و سیاست های توسعه کشورها را دچار اختلال می کند و مشکلاتی نظیر کاهش تولیدات صنعتی و داخلی، کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت، فرار از محدودیت های تعرفه ای موجود در بخش تجاری کشور، کاهش درآمدهای دولت نیز کمیت و کیفیت عرضه کالاها و خدمات عمومی را در جامعه پائین می آورد و سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، تعطیلی کارخانجات تولیدی و ... می شود. (مداح، ۱۳۸۴، ص ۶). از آنجائیکه هزینه های موارد مذکور سنگین بوده و از پیشرفت کشور نیز در جهت رسیدن به سند چشم انداز ۱۴۰۴ باز خواهد داشت رهبر معظم انقلاب نیز در پیام نوروزی سال ۱۳۹۱ را سال ((تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی)) نامگذاری کرد و برای رسیدن به تدبیر داهیهانه رهبر معظم انقلاب ضرورت توجه به موانع تولید است از آنجائیکه یکی از موانع تولید داخلی، قاچاق کالا می باشد. لذا برای مقابله با قاچاق کالا ضرورت وجود امکاناتی از جمله داشتن دانش مدیریت انتظامی است. افزایش بی رویه خطرات ناشی از قاچاق وریشه یابی علل ایجاد آن از یک سو وتلاش جهت ارائه راه کار مطلوب و مناسب برای اقدام ستادی و اجرایی برای سازمان های مسئول و ناجا از سوی دیگر ضرورت انجام این موضوع گردیده است. اهمیت مدیریت را می توان این چنین بیان

کرد که رمز موفقیت و شکست سازمان ها در مدیریت آن خلاصه می شود. به اعتقاد پیتر دراگر^۱؛ عضو حیات بخش هر سازمان، مدیریت آن است. (دراگر، ۱۹۶۴، ص ۳۵۱-۳۵۴). هارولد کنتز^۲، مدیریت را مهمترین زمینه فعالیت انسانی می داند و معتقد است که وظیفه اصلی مدیران در تمام سطوح و در همه ی واحدهای مختلف بازرگانی، صنعتی و اداری این است که محیطی را طراحی و نگه داری کنند تا در آن همه اعضا بتوانند به صورت گروهی با یکدیگر کار کنند و به اهداف تعیین شده دست یابند. (کنتز، ۱۹۸۸، ص ۴)

بخش اول: بررسی و تحلیل واژه اثربخشی

در لغت؛ مؤثر، کارگر، اثر و نشان، بجا گذاشتن (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱). تعاریف متعددی از اثر بخشی در ادبیات شده است که به تعدادی از آنها می پردازیم؛ اثربخشی عبارت است؛ درجه و میزان نیل به اهداف تعیین شده است. به بیان دیگر اثر بخشی نشان می دهد که تا چه میزان از تلاشهای انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است. در واقع اثر بخشی مرتبط با عملکرد و فراهم آمدن رضایت انسان از تلاشهای انجام شده می باشد.

۱- اثر بخشی نشان دهنده درجه ای است که طی آن هدفها به انجام رسیده اند یا میزان موفقیت در تحقق هدفها و یا انجام ماموریت ها است. (معینی، ۱۳۷۰، ص ۱۲).

۲- از نظر سید جوادین (۱۳۸۱) کارآیی بخش میانی مدیریت است و آن ارتباط بین داده ها و ستاده ها را بیان می کند، اگر ستاده های حاصله از داده ها بیشتر باشد کارآیی زیاد است.

۳- در کتابهای سازمان و مدیریت، اغلب اثربخشی را به معنی میزان تحقق اهداف مطرح می کنند. سازمان و اهداف سازمان و کارآیی را به معنی صرف حداقل منابع در جهت تحقق اهداف مطرح می کنند. سازمان و اهداف باید اثر بخش باشند، یعنی موجبات تحقق اهداف

۱..Drucker

۲. Harold Kntz

سازمان را فراهم آورند وهم کارآمد باشند. یعنی راه تحقق اهداف حداقل منابع را مصرف کنند.

۴- در برنامه ریزی عملیاتی یا اجرایی، کارآیی یعنی دست یافتن به هدفهای تعیین شده با حداکثر بازدهی، به عبارت دیگر، در برنامه ریزی عملیاتی با تأکید بر کارآیی می کوشیم که کارها درست انجام شود. (متقی، ۱۳۸۴، ص ۹ و ۱۰)

۵- اثربخشی سازمانی عبارت از میزانی است که یک سازمان با استفاده از منابع خاص و بدون هدر دادن منابع خود و بدون فرسوده کردن غیر ضروری اعضا و جامعه خود، اهدافش را برآورده می کند. در واقع اثربخشی سازمانی، درجه نزدیکی یک سازمان به هدفهایش را نشان می دهد. به عبارت دیگر اندازه ای است که یک سازمان به اهدافش تحقق می بخشد.

۶- پیتر دراکر^۱ صاحب نظر به نام مدیریت، اثربخشی را انجام کار درست تعریف کرده است. تعاریف دیگری همچون اصلاح رویه های مدیریت، کسب موفقیت، تولید ایده های جدید، تقویت ارزشهای سازمانی، تفکرگروهی، مشارکت و مواردی از این قبیل از جمله تعابیری هستند که در مدیریت معادل با اثربخشی به کار می روند (سلطانی، ۱۳۸۰).

بخش دوم: تحلیل مفهومی کارآیی- اثربخشی

مفاهیم "کارایی"، "اثربخشی" و "بهره وری"، همواره با بهبود روشها و سیستمها و به طور کلی، بهبود سازمان، مطرح بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است. در فرهنگ سازمانی، غالباً این مفاهیم به جای یکدیگر به کار می روند، در حالیکه کاملاً مفهوم جداگانه ای دارند. پیتر دراکر، این تفاوت را به این صورت بیان می کند:

➤ کارایی یعنی انجام دادن صحیح کار.

➤ اثربخشی یعنی انجام دادن کار صحیح است.

پس در جاییکه بحث هدف و دستیابی به آن است، با کارایی سر و کار داریم. بحث کارایی چگونگی رسیدن به هدف است نحوه انجام کار و کیفیت مطرح می باشد. اگر هردو باهم باشند یعنی درست انجام دادن کارهای درست.

بخش سوم: مدل های اثربخشی سازمانی

مدل های مختلفی برای بررسی میزان اثربخشی سازمانی ایجاد شده اند. این تنوع در مدل ها به دلیل ماهیت مفهوم اثربخشی، به ویژه مرزهای نامشخص آن و به دلیل مفهومی سازی های متنوع سازمان هایی است که مدل های مختلف اثربخشی را به کار می گیرند. جدول زیر مدل های مختلف اثربخشی را با توجه به مفهومی سازی سازمان و تمرکز اصلی آن نشان می دهد.

مدل های اثربخشی سازمانی

تمرکز	مفهومی سازی سازمان	مدل
رسیدن و تحقق پیامدها (اهداف)	سازمان به عنوان مجموعه عقلایی از ترتیبات (Arrangements) که گرایش به رسیدن به اهداف دارند.	مدل هدف (Goal Model)
درون داد، کسب منابع و منابع داخلی (ابزارها و شیوه ها)	سازمان به عنوان یک سیستم باز (درون داد، تغییر، برون داد).	مدل سیستمی (System Model)
پاسخ به انتظارات گروه های ذی نفع قوی که حول سازمان هستند.	سازمان به عنوان عوامل درونی و بیرونی که با مجموعه پیچیده ای از محدودیتها و اهداف، مذاکره و توافق می کنند.	مدل عوامل استراتژیک (Strategic- Constituencies Model)

<p>سه بُعد ارزش های رقابتی: * تمرکز درونی در مقابل بیرونی * کنترل در مقابل انعطاف پذیری * اهداف در مقابل ابزار یا شیوه</p>	<p>سازمان به عنوان ارزش های رقابتی، که اهداف متعارض متعددی را خلق می کند.</p>	<p>مدل ارزش های رقابتی Competing-) (Values Model</p>
<p>عواملی که از عملکرد موفقیت آمیز سازمان جلوگیری می کنند.</p>	<p>سازمان به عنوان مجموعه ای از مشکلات و شکست ها</p>	<p>مدل عدم اثربخشی Ineffectiveness) (Model</p>

بخش چهارم: مدیریت پلیس (مدیریت انتظامی)

مدیریت انتظامی از دو واژه مدیریت و انتظامی تشکیل شده است که با توجه به تعاریف متعدد از مدیریت که همگی به طور مشترک گویای علم و هنر کار کردن با و بوسیله دیگران براساس اصولی همچون برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و سرپرستی و کنترل با استفاده از تکنیک های تقسیم کار، سلسله مراتب، نظم، وحدت، سیستم های پاداش و تنبیه و... بود مشخص و تبیین گردید. در بررسی امور انتظامی در واقع اموری است که برابر قانون به نیروهای انتظامی (پلیس) محول می گردد تا ضمن مدیریت بر آن امور مانع هر گونه بی نظمی در جامعه و اختلال در امنیت انتظامی جامعه شده و با برخورد مؤثر با عوامل و حرکت هایی که مخل امنیت داخلی کشور هستند امنیت انتظامی را برقرار نمایند. در واقع مدیریت انتظامی فرآیند بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، رهبری و کنترل امور انتظامی برای

دستیابی به برقراری نظم و امنیت، تامین آرامش و آسایش فردی و اجتماعی در جامعه و افزایش بهره‌وری براساس نظام ارزشی صورت می‌گیرد. (رفیعی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۸-۲۴۰)

بند اول: مدیریت پلیس جامعه محور

در عصر مدرن، محتمل‌ترین و مؤثرترین پاسخ به چالش‌های مختلف در زمینه تامین امنیت در یک جامعه آزاد، تامین امنیت در سطح جامعه است. راه کار تامین امنیت در سطح جامعه که در دهه ۱۹۸۰ گسترش یافت، تأثیر بسیار مهمی بر مدیریت پلیس داشته است. به طور ساده باید عنوان داشت که اگر تامین امنیت در سطح جامعه راهکار متفاوتی در اجرای تامین امنیت می باشد، ممکن است به رویکرد های متفاوتی در مدیریت پلیس نیز نیاز باشد رویکردی متفاوت هم در اداره درونی پایگاه های پلیس و هم در نقش بیرونی پلیس در تعامل با جامعه و در رویارویی با مشکلات. شناخت چهار بعد اصلی تامین امنیت در جامعه و در نظر گرفتن تأثیر آنها بر مدیریت پلیس می تواند بسیار مفید باشد:

- ۱- بعد فلسفی؛
- ۲- بعد استراتژیک؛
- ۳- بعد تاکتیکی؛
- ۴- بعد سازمانی.

بند دوم: اهداف و رسالت پلیس

همه سازمان‌ها از جمله ادارات پلیس، ذاتاً برای هدفی به وجود آمده‌اند. مدارس برای تعلیم و تربیت دانش‌آموران و بیمارستان‌ها برای درمان بیماران و مجروحان ایجاد می‌شوند. هدف از تأسیس یک شرکت خصوصی در سیستم سرمایه‌داری اقتصاد ما ایجاد ثروت برای پایه‌گذاران آن است. در یک نظام سوسیالیست، همین شرکت خصوصی شاید با هدف تولید اشتغال یا ارائه برخی کالاها و خدمات ایجاد شده باشد. البته به واقع این‌طور است که اکثر سازمان‌ها چند منظوره هستند. کلی‌ترین بیانیه از اهداف یک سازمان غالباً رسالت نامیده می‌شود. مقاصد تقریباً خاص‌تر را در اصطلاح اهداف می‌نامند؛ و مقاصد دقیق‌تر نیز مقصود نهایی نام گرفته‌اند. کلی‌ترین بیانیه از اهداف یک سازمان پلیس معمولاً رسالت این سازمان است. بیانیه رسالت به‌طور معمول حاوی مهم‌ترین ارزش‌هایی است که یک اداره پلیس و فلسفه کلی مؤسسه را هدایت می‌کند. نقش بیانیه رسالت «تمرکز بر هدف

سازمان، جلب توجه به سوی موارد مهم، و تعیین اهداف سازمانی برای تطبیق یافتن تمرینات با ارزش هاست». بعضی ادارات پلیس بر بیانیه‌های بسیار مختصری مانند «خدمت و حفاظت» تکیه دارند، در حالی که برخی دیگر بیانیه‌های طولانی‌تر و مفصل‌تر را ترجیح می‌دهند. اکثر سازمان‌ها برای تلاش بر حفظ بیانیه‌های رسالت به طور منطقی آن را مختصر ارائه می‌کنند تا مأموران بتوانند راحت‌تر به خاطر سپرده و تحت هدایتش قرار بگیرند. هر مؤسسه پلیس باید با دقت بیانیه رسالت خود را آماده سازد تا نقش منحصر به فردش را به نفع کارکنان پلیس و شهروندان توصیف نماید. (همان، ص ۷۱- ص ۷۲)

بند سوم: اهداف و مقاصد نهایی پلیس

اهداف و مقاصد نهایی یک سازمان، اگر چه خاص‌تر هستند، اما باید با رسالت آن سازگار بوده و به تحقق هدف کلی کمک کنند. تعداد و تنوع اهداف و مقاصد نهایی که یک اداره پلیس می‌تواند برگزیند، تقریباً نامحدودند. برای مثال دفتر پلیس پورتلند در سال ۲۰۰۶، در کنار بیانیه رسالتش، دو هدف اجتماعی و دو هدف سازمانی را نیز ذکر کرده است، که در اینجا تنها می‌خواهیم سه هدف اصلی و هشت مقصود نهایی را برجسته‌سازیم که در همه ادارات سراسر دنیا کاربردی هستند. سه هدف اصلی هر اداره پلیس عبارت است از: ۱. حفاظت از جان؛ ۲. حفاظت از مال؛ ۳. حفظ نظم. علاوه بر این، هر اداره پلیس دارای هشت مقصود نهایی است که فعالیت‌های پلیس به سوی آن هدایت می‌شوند تا تعهدات اصلی زیر را به انجام برسانند:

۱. پیشگیری و کنترل رفتارهایی که اساساً تهدیدکننده جان و مال افراد هستند؛
۲. کمک به افرادی که در معرض خطر صدمه‌های جسمی هستند؛
۳. عمل به ضمانت‌های قانون اساسی؛
۴. تسهیل تردد مردم و وسایل نقلیه؛
۵. یاری کسانی که نمی‌توانند از خود مراقبت کنند؛

۶. حل و فصل درگیری ها ؛

۷. شناسایی مسائلی که احتمال دارد بغرنج تر شوند ؛

۸. ایجاد احساس امنیت در جامعه و حفظ آن.

حفاظت از جان و مال مردم و حفظ نظم اهداف اصلی پلیس هستند. اداره پلیس ایجاد شده است تا به شهروندان ضمانت دهد نظم در جامعه برقرار و جان و مال افراد در سایه قانون حفاظت خواهد شد. شهروندان زمانی که قادر نیستند یا آمادگی ندارند که خود به قانون عمل کنند، مأمور پلیسی را جستجو می کنند تا آنان را در برابر عناصر بی ملاحظه جامعه محافظت کنند، کسانی که آرامش آنان را برهم زده یا آن را مختل می کنند، آزادی شان را نقض می کنند، وجودشان را تهدید می نمایند، و اموال آنان را سرقت کرده یا تخریب می کنند، همه شهروندان حق دارند در جامعه ای امن و آرام زندگی کنند. (همان، ص ۷۲- ص ۷۳)

بخش پنجم: نقش مدیریت انتظامی در مبارزه با قاچاق کالا (وظایف سازمانی پلیس)

پلیس هر کشور برای نیل به اهداف و رسالت خود وظایف متعدد و متنوعی را برعهده دارد که باید در هر سازمان به مرحله اجراء درآیند. برخی ادارات پلیس آن قدر حجم بالایی دارند که برای عمل به هر وظیفه، واحدهای مجزایی تشکیل داده اند. باقی ادارات پلیس جایی در میانه قرار گرفته اند که چالش اصلی شان توسعه مدیریتی یا به اصطلاح سازماندهی است. سه ریزسیستم^۱ سازمان پلیس عبارت است از : ۱- عملیات ها؛ ۲- مدیریت؛ ۳- خدمات کمکی. این سه ریز سیستم، چارچوبی از بحث ما درباره وظایف اصلی پلیس ارائه می کنند. فهرست زیر وظایفی را که در زیر سیستم های سازمان پلیس تعیین شده اند، نشان می دهد. (همان ، ص ۹۹).

۷۹- تعریف سیستم : مجموعه ای از عملکردها و اهداف است که به واسطه برخی تعاملات یا وابستگی های متقابل یکپارچه

گشته اند. (مدیریت پلیس، ۱۳۹۰، ص ۷۹)

نگاهی اجمالی و کلی به وظایف سازمانی پلیس در این راستا

خدمات کمکی	مدیریت	عملیات ها
گزارش ها	کارکنان	گشت زنی
ارتباطات دور	آموزش	تردد وسایل نقلیه
اموال و مدارک	برنامه ریزی و تحلیل	تحقیقات جنایی
آزمایشگاه	بودجه وامور مالی	فساد، مواد مخدر و قاچاق کالا
توقیف	مساعدت قانونی	جرایم سازمان یافته
شناسایی	پردازش اطلاعات	عملیات های ویژه
تست الکل	اطلاعات مردمی	پیشگیری از وقوع جرم
امکانات	بازرسی ها	خدمات نوجوانان
تجهیزات و تدارکات	امور داخلی	خدمات جامعه
تعمیر و نگهداری	اطلاعات جاسوسی	خدمات مدارس

بند اول: زیر سیستم عملیات ها

عملیات ها، فعالیت های هستند که مستقیماً به مردم کمک می کنند. زیر سیستم عملیات ها بخشی از کار پلیس است که اکثر مردم با آن آشنا هستند. مأموران پلیس از طریق این زیر سیستم به انجام اقدامات پلیسی، مبارزه با جرم و ارائه خدمات به مردم به خدمت گرفته می شوند. دو زیر سیستم دیگر (مدیریت و خدمات کمکی) برای انجام خدمات روزانه دراز مدت به کارکنانی که در زیر سیستم عملیات ها کار می کنند، ایجاد می شوند. اهداف زیر سیستم عملیات شبیه به همان اهداف اصولی کل مؤسسه پلیس است: حفظ نظم و

محافظت از جان و مال افراد. همه کارهای انجام شده توسط کارکنان این زیر سیستم به سوی نیل به این اهداف سازمانی مهم جهت گیری شده است. وظایف موجود در این ریز سیستم با هدف دستیابی به اهداف و مقاصد تعیین شده انجام می شوند. که وظایف آن عبارتند از: گشت زنی، تردد وسایل نقلیه، تحقیقات جنایی، فساد، مواد مخدر، قاچاق کالا، جرایم سازمان یافته، عملیات های ویژه، پیشگیری از وقوع جرم، خدمات نوجوانان، خدمات جامعه، خدمات مدارس. (همان، ص ۱۰۰).

بند دوم: زیر سیستم مدیریت

وظایف تشکیل دهنده زیر سیستم مدیریت (کارکنان، آموزش، برنامه ریزی و تحلیل، بودجه و امور مالی، مساعدت قانونی، پردازش اطلاعات، اطلاعات مردمی، بازرسی ها، امور داخلی، اطلاعات جاسوسی) نه در کمک مستقیم به مردم بلکه به سود سازمان به عنوان یک کلیت، به اجراء در می آیند. به علاوه وظایف این زیر سیستم کاربرد بلند مدت تری نسبت به زیر سیستم خدمات کمکی دارد. یک روش برای تشخیص وظایف مدیریتی از وظایف خدمات کمکی این است که بپرسیم: «آیا لازم است این وظیفه شبانه روزی انجام شود؟» وظایفی همچون برنامه ریزی و آماده سازی بودجه که به طور مستمر اجرا نمی شوند، به طور کلی وظایف مدیریتی در نظر گرفته می شوند و وظایفی مانند؛ ارتباطات و شناسایی که مستمراً اجرا می شوند، معمولاً در گروه وظایف خدمات کمکی دسته بندی می گردند؛ هر دو نوع وظیفه به سود یا در خدمت کل اداره پلیس هستند؛ هر دو اصولاً اموری داخلی می باشند. از طرف دیگر وظایف عملیاتی به صورت خارجی و به سود مستقیم مردم انجام می گیرند. (همان، صص ۱۱۶-۱۱۷).

بند سوم: ریز سیستم خدمات کمکی

عملیات ها را به فعالیت هایی توصیف کردیم که در کمک مستقیم به مردم انجام می شوند و مدیریت را فعالیت هایی شرح دادیم که در دراز مدت به سود تمام واحدهای سازمانی کار می کنند. باقی فعالیت ها در حیطه زیر سیستم خدمات کمکی به اجراء در می آیند. لازم

است که این فعالیت‌ها نیز به نفع واحدهای اداری پلیس هستند، اما نسبت به فعالیت‌های مدیریتی منظم‌تر و مستمرتر هستند. خدمات کمکی معمولاً به صورت ۲۴ ساعته در روز و ۳۶۵ روز در سال به مأموران عملیاتی پلیس خدمات ارائه می‌کنند؛ در حال که فعالیت‌های مدیریتی معمولاً به صورت هشت ساعت در روز و پنج روز در هفته در خدمت مأموران پلیس هستند. اگرچه گاهی تشخیص این دو نوع فعالیت از یکدیگر دشوار است، اما برای تشخیص راحت‌تر می‌توان خدمات مدیریتی را خدماتی بلندمدت و دارای محدودیت زمانی دانست. در حالی که خدمات کمکی، خدماتی مستقیم هستند که داریم در دسترسی قرار دارند. وظایف مشمول در زیر سیستم خدمات کمکی عبارت است از: گزارش‌ها، ارتباطات دور، اموال و مدارک، آزمایشگاه، توقیف، شناسایی، تست الکل، امکانات، تجهیزات و تدارکات، تعمیر و نگهداری. (همان، ص ۱۳۲)

بخش ششم: مأموریت‌های پلیس مبارزه با قاچاق کالا و ارز ناجا

هم‌اکنون اهم مأموریت‌های پلیس مبارزه با قاچاق کالا و ارز ناجا به شرح ذیل است:

۱. تهیه و تنظیم سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به امور کشف و مبارزه با قاچاق کالا و ارز و پیشنهاد به مبادی ذیربط برای تصویب،
۲. تهیه طرح‌ها و برنامه‌های لازم در خصوص مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کاهش مهار آن در سطح جامعه و ارائه آنها به مراجع ذیربط جهت تصویب و ابلاغ،
۳. تهیه و تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تخصصی در خصوص مبارزه با قاچاق کالا و ارز و پیگیری تصویب و ابلاغ آنها،
۴. برآورد نیازمندی‌های تخصصی واحدهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان‌ها، تامین و ارائه طرح و توزیع آنها،
۵. بررسی قوانین و مقررات موجود در زمینه قاچاق کالا و احصاء مشکلات آنها و پیشنهاد راهکارهای مناسب به منظور وضع قوانین و مقررات متناسب،

۶. جمع آوری و تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مربوط به قاچاق کالا و ارز در سراسر کشور،
۷. ارایه نظرات و پیشنهادات تخصصی در زمینه های آموزشی ، تجهیزات و اعتبارات ، سازمان و کمیت و کیفیت نیروی انسانی به مراجع ذیربط،
۸. تحقیق و بررسی در خصوص علل و انگیزه های گرایش به قاچاق کالا و ارز و ارایه راهکارهای لازم به منظور کاهش جرایم مذکور در سطح جامعه به مراجع ذیربط،
۹. ارزیابی و تجزیه و تحلیل عملکرد واحدهای اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و اقدام در جهت رفع مشکلات و موانع ستادی و اجرایی از مبادی ذی ربط،
۱۰. نظارت بر اجرای طرح ها ، آیین نامه ها و دستورالعمل های تخصصی ابلاغی و هدایت ستادی واحدهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز رده های ناجا،
۱۱. شناسایی و جمع آوری آخرین شگردها و روش های مجرمین قاچاق کالا و ارز و ارایه راهنمایی های لازم به واحدهای اجرایی جهت مبارزه مؤثر با آنان،
۱۲. بررسی و پیگیری ستادی در خصوص امور موبوط به حق الکشف مامورین و سهم ناجا از محل جرایم وصولی حاصل از فروش کالای مکشوفه برابر ضوابط و مقررات،
۱۳. بررسی و پیگیری ستادی امور حقوقی گزارشات و پرونده های مهم مکشوفه قاچاق،
۱۴. مشارکت و همکاری در راه اندازی و بهسازی و بهره برداری از بانک اطلاعات متمرکز مجرمین،
۱۵. تهیه و تنظیم گزارش از فعالیت ها و عملکرد واحدهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز رده های ناجا و ارایه به مبادی ذیربط برای بهره برداری،
۱۶. تعامل با سازمان های مرتبط و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در جهت مقابله هرچه بهتر با قاچاق کالا در کشور.

بخش هفتم: ارزش‌های مهم کار پلیس

نتیجه اینکه؛ کار و مدیریت پلیس باید تحت هدایت اهداف و مقاصد اصلی توصیف شده در بالا باشد. و نیز بیانیه‌ای کلی از رسالت اداره پلیس باشد. فعالیت‌های مأموران و مدیران پلیس باید مستقیم یا غیر مستقیم در جهت نیل به رسالت، اهداف و مقاصد سازمانی باشد. هرگاه مشخص شود که منابع گسترش یافته یا تلاش‌های صورت گرفته ارتباطی به رسالت، اهداف و مقاصد اداره پلیس نداشته است، باید به شدت زیر سؤال برده شود، زیرا این منابع و کوشش‌ها ممکن است کمکی به کارآمدی واقعی سازمان نکرده باشد. (همان، ص ۷۷) با توجه به وظایف سازمانی پلیس که در سه ریزسیستم؛ عملیات، مدیریت، و خدمات کمکی بیان گردید و برابر بند ۸ ماده ۴ قانون (مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۹) ناجا وظیفه پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا را برای نیروی انتظامی پیش‌بینی کرده است. بنابراین اهداف، رسالت و مقاصد نهایی و مأموریت‌های پلیس در شناسایی، کشف و مقابله با قاچاق کالا از رسالت‌های اصلی آن بوده که با مدیریت صحیح بر منابع انسانی، تجهیزات و با استفاده از نقاط قوت قوانین موجود و شناسایی نقاط ضعف قوانین در جهت اصلاح و بازنگری در راه رسیدن به رسالت، اهداف، مقاصد نهایی و راه‌ها کار، تدابیر، برنامه‌ها، وظایف، خط‌مشی‌ها، شیوه‌های کاری در راه رسیدن به رسالت اصلی خود نقش مهم و بسزایی دارد که امروزه ادارات پلیس برای ابلاغ رسالت خود از آن استفاده می‌کنند. هر مؤسسه پلیس باید با دقت بیانیه رسالت خود را آماده سازد تا نقش منحصر به فردش را به نفع کارکنان پلیس و شهروندان توصیف نماید. (همان، ص ۷۱-۷۲).

بخش هشتم: نوع مدیریت کنونی حاکم بر مدیریت انتظامی مقابله با قاچاق کالا

با توجه به طبقه‌بندی مدیران به اینکه چه فعالیتی در سازمان انجام می‌دهند در سه سطح؛ ۱- مدیریت عملیاتی (سرپرستی) ۲- مدیریت میانی ۳- مدیریت عالی در حال حاضر نوع مدیریت انتظامی مقابله با قاچاق کالا در مرکز کشور از نوع مدیریت میانی (مدیران میانی به طور مستقیم به مدیریت رده بالا گزارش می‌دهند؛ کارشان مدیریت بر سرپرستان است و

نقش حلقه ی واسطی را میان مدیریت عالی و مدیریت عملیاتی به عهده دارند. مدیران میانی برنامه ریزی میان مدت می کنند و برای اظهار نظر مدیریت عالی برنامه های جامع تر و بلند مدت آماده می سازند. عملکرد مدیری رده های پایین را تحلیل کرده، توانایی و آمادگی آن را برای ارتقا تعیین می کنند و به مدیران رده پایین در تولید، پرسنل و سایر مسائل، خدمات مشاوره ای عرضه می دارند.) می باشد. در سطح استان ها نیز از نوع مدیریت عملیاتی (در این سطح مدیران و کارکنانی فعالیت می کنند که مستقیماً با واحد های اجرا و اهداف مؤسسه در ارتباطند. این دسته از مدیران از سطح مدیریت میانی دستور العمل ها را گرفته و با تنظیم برنامه های عملیاتی کوتاه مدت، سعی می کنند فعالیت های واحد های اجرایی را هدایت و هدف های سازمان را تحقق بخشند) می باشد. (رضائیان، ۱۳۸۹، ص ۲۹) نظریه خاصی که دال بر علت انتخاب شاخص های مدیریت انتظامی باشد وجود نداشت. لیکن با توجه به مأموریت ذاتی و اصلی پلیس در جامعه کنونی که در زیر سیستم عملیات پلیسی بدان اشاره گردید از مهم ترین وظایف عملیاتی پلیس، مبارزه با قاچاق کالا بوده و از طرفی در مصاحبه با کارشناسان و مسئولین فعلی و قبلی در حوزه قاچاق کالا و ارز و راهکارهای ارائه شده در کتاب های نگارش شده در بحث قاچاق کالا و تجارب بدست آمده محقق از خدمت چندین ساله در این خصوص بیشترین مواردی که پلیس در امر مقابله با قاچاق در حال حاضر بکار می برد استفاده از منابع انسانی و تجهیزات در حوزه درون سازمانی بوده و شاخصه بعدی پژوهش قوانین مبارزه با قاچاق کالا است. هرچند از منابع برون سازمانی پلیس است لیکن ارتباط مستقیم و تنگاتنگ در رسیدن به اهداف سازمانی و رسالت پلیس در امر مقابله با قاچاق را که همانند بازوان قدرتمند و دیوارهای مستحکم بوده که با اتکاء به آن مامورین می توانند در برابر سودجویان و قاچاقچیان کالا ایستادگی، مقاومت و مبارزه کننده و مجرمان را به سزای عمل خود برسانند و همچنین قدمت تصویب قوانین کنونی که با شرایط و مقتضیات کنونی جرم قاچاق و جرایم علیه مجرمین نیز مطابقت چندانی نداشت لازمه انتخاب آنها را برای محقق فراهم آورد.

نتیجه گیری

نهایتاً در پایان این مقاله می توان اینگونه نتیجه گیری نمود که با توجه به تنوع و پیچیدگی جرم قاچاق کالا که ناشی از تصمیم ها ، سیاست و تدابیر قوای سه گانه ؛ مقننه، مجریه و قضاییه است و همچنین چند بُعدی بودن علل وقوع این جرم که ناشی از؛ فقر و بیکاری قشر جوان ، عدم توسعه یافتگی مناطق و روستاهای مرزی، وجود بازار تقاضا و مصرف کالا در داخل، کیفیت کم کالای تولید داخلی، دریافت تعرفه گمرکی بالا برای واردات، شرایط جغرافیایی و طولانی بودن مرزهای آبی و خشکی، سودآوری حاصل از قاچاق و... می باشد همگی بسترها و زمینه های قاچاق کالا را فراهم نموده است در واقع مشکلات پلیس را در مقابله با این پدیده شوم اقتصادی چند برابر کرده و هر چقدر ناجا با استفاده از مدیریت قوی و برنامه ریزی شده، تجهیزات لجستیکی مناسب، کارکنان متعهد، با دانش و تجربه بالا با قاچاق مقابله نماید ممکن است بصورت مقطعی و در یک برهه زمانی اثر گذار باشد لیکن بصورت دائمی و قطعی ریشه قاچاق را نمی تواند قطع و از بین ببرد. بنابراین لازمه اثر بخشی مدیریت انتظامی در مقابله با قاچاق کالا همراهی، همکاری و عزم ملی دولت به عنوان قوه مجریه در تهیه و تنظیم لوایح مناسب جهت اصلاح قوانین، رفع مشکلات معیشتی مردم با اولویت استان های مرزی، ایجاد اشتغال برای جوانان با اولویت استان ها و شهرهای آلوده مرزی، پیوستن به قانون تجارت جهانی ، افزایش نرخ ریال در برابر ارزهای خارجی و... از یک سو و تصویب قانون مدون و بازدارنده در تمامی ابعاد قاچاق کالا، استفاده از قضات با تجربه، متخصص در امور قاچاق کالا، ایجاد شعبات ویژه رسیدگی به جرم قاچاق کالا، صدور احکام بازدارنده و مشدد علیه قاچاقچیان و سودجویان، توقیف، ضبط و مصادره؛ اماکن، محل های انبار، وسائط نقلیه حمل کالا(زمینی و دریایی)، و ضبط وجوه حاصل از درآمدهای نامشروع از قاچاق، ایجاد وحدت رویه قضایی در پرونده های قاچاق، اجراء صحیح و به موقع قوانین علیه سازمان جرم قاچاق و... توسط قوه مقننه و همچنین همکاری و مساعدت کلیه سازمان ها ، وزارتخانه ها و ارگان های دولتی متولی در کنار اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی پلیس (مهمترین وظیفه آن برقراری امنیت داخلی و اقتصادی کشور

می باشد) علیه سازمان جرم قاچاق کالا به منظور؛ شناسایی، کشف، دستگیری افراد و عناصر سودجو و قاچاقچیان در جهت پیشگیری و مقابله را بصورت مستمر و همیشگی می طلبد. لیکن بکارگیری تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری پیچیده در محورهای مسیره‌های پرتدد حمل کالا، ایستگاههای ایست و بازرسی و... به عنوان ابزار کار پلیس در شناسایی و کشف به موقع کالاهای ممنوعه و قاچاق امری ضروری بوده که در این راستا بسیار مهم، کارساز و ضروری است.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ذاکری، سید تراب، (۱۳۸۹)، «مدار اطلاعاتی»، ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- رازینی، علی ابراهیم، (۱۳۷۸)، «روش های منطقی کردن تعرفه ها در اقتصاد ایران»، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- رضائیان، علی، (۱۳۸۹)، «اصول مدیریت»، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت.
- رفیعی، حسن، (۱۳۸۰)، «امور انتظامی در نظام حسبه اسلامی»، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۶)، «توسعه و تضاد»، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۲)، «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳»، تهران، به سفارش سازمان تعزیرات حکومتی - دفتر کل مبارزه با قاچاق کالا و ارز،
- سازمان بازرسی کل کشور، (۱۳۸۰)، گزارش « بررسی قاچاق کالا و شیوه مقابله با آن »، تهران.
- سپهری، سید کریم، (۱۳۸۱)، «تحقیق پیرامون ابهام اقتصادی پدیده قاچاق کالا، مشکلات موجود و راهکارهای مقابله با آن»، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و گمرک، (۱۳۸۰)، «مطالعه و بررسی ابعاد استراتژیک محیطی پدیده قاچاق کالا در استان های هرمزگان و بوشهر»، تهران: مؤسسه تحقیقات راهبرد مدیریت .

- سلطانی، ایرج، «اثر بخشی آموزش در سازمانهای صنعتی و تولیدی»، مجله تدبیر، شماره ۱۱۹.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشکده.
- سیروس، قادر و شکری، رضا، (۱۳۸۱)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر مهاجر.
- شوقی، محمود، (۱۳۹۱)، «آماد و پشتیبانی مدیریت و عملیات»، تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- طالبیان، حسین، (۱۳۹۲)، «مدیریت اطلاعات جنایی - بانک های اطلاعاتی» تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا، اداره کل منابع و متون درسی.
- علی آبادی، منصور، (۱۳۸۶)، «نشریه اقتصاد پنهان»، تهران، دفتر کل پژوهش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- عرب مازازیدی، علی، (۱۳۸۰)، «حجم اقتصاد سیاه ایران»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فربود، غلامرضا، (۱۳۸۰)، مبانی فقهی و حقوقی قاچاق، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی.
- کریمی، خدیجه، (۱۳۷۹) «چه کالاهایی واز چه مبادی به طور قاچاق وارد می شود؟»، بررسی های بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۹.
- کریتنر، رابرت و کینیکی، آنجلو؛ «مدیریت رفتار سازمانی»، علی اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، ۱۳۸۶، چاپ دوم، تهران، پیام پویا.
- کهن، گوئل، (۱۳۷۷)، مدلی چهار وجهی در تعیین اثر بخشی سازمان ها، یک روش شناسی علمی برای محاسبه اثر بخشی سیستم ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۰.

- گل محمدی خامنه، علی، (۱۳۸۴)، «دستگیری و بازداشت و نحوه نگهداری متهمان»، تهران، مؤسسه انتشاراتی جهان جام جم.

- مستمند، علیرضا، (۱۳۷۷)، «بررسی قاچاق کالا و جرائم گمرکی در مقررات کیفی ایران»، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا.

- معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۱)، «قاچاق»، از سری بررسی های امنیتی اقتصادی.

- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۷۷)، مجموعه آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی و اقتصادی.

- مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، (۱۳۷۷)، «مجموعه مقالات پیرامون قاچاق کالا و آثار اقتصادی آن»، ماهنامه بررسی های بازرگانی، ش ۱۳۵، ص ۱۷-۱۹.

- معاونت پژوهشی، (۱۳۷۸)، «بررسی پدیده قاچاق در ایران، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

- معاونت پژوهشی مجلس، (۱۳۷۸)، «بررسی پدیده قاچاق در ایران، تهران، مرکز پژوهش های راهبردی مجلس.

- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۰)، قوانین و مقررات آئین دادرسی کیفی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

- مؤذن جامی، محمد هادی، (۱۳۸۴) «بررسی معضل قاچاق کالا و راهبردهای مبارزه با آن»، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش و برنامه ریزی، سلسله مباحث اقتصادی و مدیریتی، نشست نهم، ۹ تیر.

منابع انگلیسی

- Drucker, Peter The Effective Executive, -Management, New York: Harper & Row.
- Henri, J.F;(2004), Performance Measurement and Organizational Effectiveness: Bridging the Gap. Managerial Finance Journal Vol30, p98. p99.
- Haralabos ,Merton ,(1980), Sociology Themes and propective ,London: Oxford , p414.
- Lovly mare E. and Nelson daugls (1995), smuggling and welfar in a Ricardo winer Economy- Jurnal Economic studies –wol22-no 6-pp.26-45.
- Martz, W.A;(2008), Evaluating organizational effectiveness. Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, Western Michigan University, p33.
- Koontz, Harold &Others ,(1988), Management, 8thed., New York :Mc Graw-Hill.
- Scott fausty,(1992)-smuggling and parallel-markets for export international No.4 -pp.443-470.